



نقش کفایت افشاء اطلاعات بانک‌ها در ایجاد ثبات مالی

احسان پوراسماعیل^۱ الهام بذرافشان مقدم^۲

چکیده

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخ‌گویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیران اقتصادی و از ملزومات بی بدیل توسعه و رشد اقتصادی در سازمان‌های دولتی و خصوصی است که بانک‌ها نیز از این امر مستثنی نیستند. هدف این مقاله بررسی کفایت افشاء اطلاعات نظام بانکی کشور با توجه به ثبات مالی و کارکرد سالم نظام بانکی است، از این رو با ارزیابی شفافیت نظام پولی و بانکی، به تبیین تئوریک و تجربی افشاء اطلاعات بانک‌ها با توجه به دستورالعمل بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی پرداخته شده است، همچنین با بررسی رابطه‌ی افشاء، شفافیت و تقارن اطلاعات به عنوان پدیده‌ای قطعی برای ایجاد ثبات مالی بر رفع آسیب‌ها و معضلات حال حاضر بانک‌های کشور تاکید شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اخلاق مالی و مشروعیت

استادیار، عضو هیات علمی موسسه‌ی آموزش عالی آرمان رضوی، دکتری علوم قرآن و حدیث

مدرس موسسه‌ی آموزش عالی آرمان رضوی، کارشناس ارشد حسابداری



که یکی از ستون‌های اصلی ثبات مالی به شمار می‌رود، زیر سایه‌ی شفافیت و افشاء اطلاعات مالی حاصل می‌شود، حقیقتی که آموزه‌های دینی و حیانی نیز به آن سفارش می‌کند؛ از این رو خلق امنیت روانی سپرده‌گذاران از طریق افشاء اطلاعاتی قابل اتکا و به موقع می‌تواند منجر به تضمین ثبات مالی، عملکرد مناسب و استحکام تمامی اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک سیستم مالی شود. با توجه به نتایج فوق پیشنهاد می‌گردد با بررسی دستورالعمل‌های افشاء اطلاعات ارایه شده توسط بانک مرکزی و بورس اوراق بهادار به جمع‌بندی مشترکی از قوانین و مقررات در مسیر تحقق بانکداری و ثبات مالی اسلامی پرداخته تا بستر اعتماد سازی قانونی برای فعالیت‌های گسترده‌تر در زمینه‌ی بانکداری بین‌المللی مهیا شود.

واژه‌های کلیدی: افشاء اطلاعات، شفافیت مالی، تقارن اطلاعاتی، ثبات مالی



مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌ی پایدار در اقتصاد هر کشور، فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است. این مهم با وجود فضای رقابتی سالم از طریق اطلاعات شفاف و به موقع و امکان دسترسی همه‌ی مشارکت‌کنندگان بازار به اطلاعات شفاف را امکان‌پذیر می‌سازد [۱]. شفافیت اطلاعات مالی از جمله دل مشغولی‌های اصلی فعالان بازار سرمایه در کشورهای مختلف است [۲]. لذا هر چه انتشار اطلاعات در جوامع بیش‌تر و بهتر صورت پذیرد، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع، بیش‌تر می‌شود. بنابراین، یکی از الزامات رشد و توسعه‌ی اقتصادی، دسترسی همه‌ی ذی‌نفعان به اطلاعات شفاف است [۳]. با توجه به اهمیت بحث شفاف سازی بیش‌تر بازار سرمایه، افشا و ارائه‌ی اطلاعات به موقع یکی از الزامات هیئت‌مدیره‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران بوده و بانک‌ها نیز از این امر مستثنی نیستند. سرمایه‌گذاران زمانی در یک واحد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند که نخست درباره‌ی آن اطلاعات کافی (شامل اطلاعات مالی) داشته باشند و در ثانی به این اطلاعات اطمینان کنند [۴]. بانک‌ها به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی این نظام با حسن شهرت و پای‌بندی به استانداردهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای لازم، می‌توانند تداوم یک رابطه‌ی تجاری کارآمد را فراهم آورند. از آن جایی که بانک‌ها برای جذب سرمایه‌ی عمومی نیاز به حمایت همه‌جانبه‌ی مردم دارند، باید اطلاعات خود را افشا کرده و درصدد پاسخ‌گویی برآیند. در راستای تحقق این موضوع، دو عامل



ثبات و رشد اقتصادی نیز محقق خواهد شد. بانک‌های مرکزی و مؤسسات مالی بسیاری، از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک تسویه بین‌الملل، گزارش‌های فراوانی را در زمینه‌ی ثبات مالی منتشر کرده و بخش بزرگی از فعالیت‌های تحقیقاتی خود را به مطالعه در این زمینه اختصاص داده‌اند [۵]. توسعه و ثبات مالی یکی از ارکان مهم در جهت سلامت بانکی به شمار می‌رود، چرا که توانایی مناسب جهت مواجهه با بحران‌های احتمالی و سر و سامان دادن به شیوه‌ی صحیح عملیاتی از جمله وظایفی است که انتظار می‌رود بازارهای اصلی مالی از عهده‌ی آن برآیند. یکی از عواملی که در جهت دستیابی به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی می‌تواند نقش اساسی ایفا کند، توسعه‌ی بخش مالی هر کشور است. توسعه‌ی مالی، یکی از کلیدهای بالقوه‌ی دستیابی به رشد بلندمدت اقتصادی است و در صورتی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود که بتواند زمینه‌ی مناسب جهت تخصیص بهینه‌ی منابع را فراهم ساخته و سبب افزایش کارایی سرمایه شود [۶]. ثبات و توسعه‌ی مالی می‌تواند چتری حمایتی برای سپرده‌گذاران ایجاد کرده و اعتماد عمومی را جلب کند. جذب مشارکت همه‌جانبه‌ی سرمایه‌گذاران، نیازمند افشاء اطلاعاتی شفاف، به موقع و قابل اتکا می‌باشد که این تقویت شفافیت در آرایه‌ی اطلاعات، افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی و در نهایت منفعت سرمایه‌گذاران را به دنبال خواهد داشت. الزامات و مقررات بانک مرکزی و همچنین دستور العمل سازمان بورس اوراق بهادار برای آرایه‌ی اطلاعاتی شفاف و قابل دسترسی برای همگان از جمله دستاوردهای صیانت از حقوق مشتریان و سهامداران می‌باشد. با ارتقاء کیفیت نظام بانکی کشور



در راستای استانداردهای بین‌المللی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی میسر خواهد شد و از این مساله می‌توان به عنوان راهبرد اصلی نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری کشور نام برد. افشاء و توزیع اطلاعات شفاف مطابق استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی بین استفاده‌کنندگان می‌تواند تقارن اطلاعاتی را بالا ببرد، از این رو افشاء اطلاعات این نهادهای مالی می‌تواند در ایجاد ثبات و رشد اقتصادی و مالی نیز نقش موثری ایفا کند. ثبات نظام مالی و به تبع آن نظام بانکی در هر کشور تا اندازه‌ی زیادی تابع فعالیت‌های کلان اقتصادی و توسعه و تکامل اقتصادی می‌باشد [۷]، و از سوی دیگر افشاء اطلاعات نیز می‌تواند در ایجاد این ثبات موثر واقع شده و به سبب شفافیت ارائه‌ی صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران بهترین تصمیم را اتخاذ کنند. لذا هدف این تحقیق تبیین تئوریک و تجربی این سوال است که چگونه افشای اطلاعات بانک‌ها می‌تواند در ایجاد ثبات و رشد اقتصادی نقش موثری ایفا کند؟

پیشینه‌ی تحقیق

توتونچیان (۱۳۷۵)، دلیل اصلی بی‌ثباتی در نظام بانکداری متعارف را وجود بهره در این نظام میدانند و معتقد است حذف بهره از اقتصاد فایده‌های متعددی خواهد داشت. از دیدگاه وی توجیه‌های متنوع و مکرر اقتصاددانان غربی یکی پس از دیگری و در فاصله‌های زمانی کوتاه و عدم توانایی آن‌ها در پیدا کردن علت اساسی عدم تعادل‌های اقتصاد سرمایه‌داری، نشان‌دهنده‌ی وجود تضاد و تناقض درونی در این نظام است [۸]. موسویان (۱۳۸۱)، در



تحقیق خود گزارش نمود که جایگزینی نظام مشارکت بر متغیرهایی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال اثر داشته و ثبات بیش‌تری پدید می‌آورد. هم‌چنین بیان می‌کند که در نظام اسلامی دوره‌های رونق و رکود هر دو ملایم‌تر بوده؛ بنابراین ثبات بیش‌تر است [۹]. پژوهان و دوانی (۱۳۸۳)، در بررسی حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی، با اشاره به این نکته که متغیر نرخ بهره به‌عنوان قیمت در بازار مالی یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است، این متغیر را عامل بی‌ثباتی مالی و اقتصادی دانسته و شکاف موجود میان نرخ بهره بازار رسمی و غیر رسمی مالی در اقتصاد ایران را از موضوعات مهم معرفی می‌کنند [۱۰]. موسویان (۱۳۸۶)، نشان داده است که با جایگزینی بانکداری اسلامی، همه متغیرهای اساسی، وضعیت بهتری خواهند داشت و نظام بانکی و اقتصادی ثبات بیش‌تری خواهد گرفت [۱۱]. جمالیان (۱۳۸۶)، که نظام بانکداری اسلامی در کل و با در نظر گرفتن ریسک نرخ بهره، نقدپذیری، اعتبار و بازار، با ریسک کمتری روبرو است [۱۲]. براون و هیلگیست (۲۰۰۷)، به این نتیجه رسیدند که افشای اطلاعات عمومی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، میتواند از طریق جذب تقاضای فزاینده سرمایه‌گذاران بزرگ برای افزایش نقدشوندگی سهام، هزینه سرمایه شرکت را کاهش دهد [۱۳]. عیوض‌لو و میسمی (۱۳۸۷)، نشان می‌دهند که تأمین مالی اسلامی، نسبت به تأمین مالی متعارف، باثبات‌تر و کاراتر است و به دلایل گوناگون، رشد بیش‌تری را نیز نوید می‌دهد [۱۴]. پناهیان و صادقی (۱۳۸۹)، شفافیت اطلاعات مالی در بورس تهران می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی و افزایش فعالیت سرمایه‌گذاران گردد [۱۵]. عرب



مازار و همکاران (۱۳۹۰) ، به رابطه‌ی مثبت بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی دست پیدا کردند [۱۶]. قائمی و علوی (۱۳۹۱)، نشان دادند بین شفافیت اطلاعات و میزان نگهداری وجه نقد رابطه منفی و معنی داری وجود دارد [۱۷]. آقامحمدی رنانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که بانک‌های تجاری به عنوان واسطه‌های مالی طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۶ تأثیر منفی بر ثبات اقتصادی ایران داشته‌اند [۱۸]. دارمدی (۲۰۱۳)، دو بانک معاملات و بانک سیرانه ماندری، دارای امتیاز بالاتری نسبت به دیگر بانک‌ها هستند. افشای نمونه بانک از برخی ابعاد، از قبیل اعضای هیئت مدیره و مدیریت ریسک قوی‌تر می‌باشد. از سوی دیگر کنترل داخلی و کمیته هیئت مدیره‌ی ضعیف‌تری نسبت به سایر بانک‌ها دارند [۱۹]. مشایخی و فرهادی (۱۳۹۲) ، به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معنی داری بین کیفیت افشا و هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام، برای گروه شرکت‌های بزرگ وجود دارد، اما چنین رابطه‌ای برای گروه شرکت‌های کوچک‌تر از میانگین قابل مشاهده نیست [۲۰]. علمی و آریانی (۱۳۹۲)، به این نتیجه رسیدند که توسعه مالی در ایران باعث کاهش نابرابری می‌شود [۲۱]. قلیچ و همکاران (۱۳۹۳)، نشان می‌دهند میانگین عملکرد بانک‌های اسلامی در وضعیت قبل و بعد از بحران اخیر تفاوت معناداری نیافته و به عبارتی بانکداری اسلامی در رویارویی با بحران اخیر از پایداری مناسبی برخوردار بوده است [۲۲]. عیوض‌لو و قلیچ (۱۳۹۴)، توصیه‌هایی برای اجرای بانکداری اخلاقی در کشور ارائه نموده و پرهیز از تامین مالی و ارائه تسهیلات به واحدهای آلوده کننده‌ی محیط زیست را ترویج فرهنگ اخلاقی می‌-



دانند [۲۳]. عبدالله و همکاران (۲۰۱۴)، نشان دادند که سطح افشاء حاکمیت شرکتی اطلاعات بانک‌های اسلامی در گزارشات سالانه کمتر از ۵۰ درصد می باشد. همچنین افشاء داوطلبانه رابطه‌ی منفی با سطح سرکوبی سیاسی و مدنی دارد [۲۴]. میرباقری هیر و همکاران (۱۳۹۵)، به این نتیجه رسیدند که در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ ثبات و پایداری بخش بانکی دارای روند افزایشی بوده و بهبود یافته است. همچنین بانک‌های دولتی ثبات مالی بیشتری نسبت به بانک‌های خصوصی دارند که توجه بیش‌تر به بانک‌های خصوصی جهت افزایش شاخص ثبات مالی در این بانک‌ها ضرورت می‌یابد [۲۵]. سرائری^۳ (۲۰۱۵)، به این نتیجه رسید که بانک‌های اسلامی با سطوح بالاتر افشاء حاکمیت شرکتی عملکرد بالاتری از بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام را ارائه می‌دهند [۲۶]. فدایی و ولی‌پور پاشا (۱۳۹۵)، به تحلیل محتوای نقش بانک‌های مرکزی در ثبات مالی پرداختند [۲۷]. مظفری و همکاران (۱۳۹۷)، به این نتیجه رسیدند که متغیر شاخص توسعه مالی، اثر منفی بر بی ثباتی رشد اقتصادی داشته، در صورتی که تأثیر شاخص ساختار مالی بر بی ثباتی رشد اقتصادی، مثبت بوده، که بیانگر این است که ساختار مالی ایران با یک سلسله مشکلات همراه بوده که علی رغم تأثیر مثبت توسعه مالی بر ثبات بخشیدن به رشد اقتصادی، ساختار مالی آن منتج به بی ثباتی رشد اقتصادی شده است [۲۸]. پاجیکو^۴ و همکاران (۲۰۱۷) با برآورد پویایی بتا، تأثیر جریان جدید اطلاعات بر ثبات سیستم بانکی را مشاهده کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند

^۳ Srairi^۴ Pacicco



که تقریباً تمام بانک‌ها بتا را کاهش می‌دهند، چرا که شوک شفافیت باعث کاهش خطر سیستماتیک می‌شود [۲۹].

ادبیات افشا اطلاعات

افشای اطلاعات یکی از ابزارهای مهم مدیران به منظور انتقال اطلاعات مربوط به عملکرد مالی به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر افراد ذی‌نفع می‌باشد. مطالعات پیرامون افشای اطلاعات در سه حوزه‌ی اندازه‌گیری سطح و کیفیت افشای اطلاعات، محرک‌های افشای اطلاعات و پیامدهای آن برای بازار سرمایه طبقه‌بندی می‌شود. بررسی مطالعات حوزه‌ی افشاء اطلاعات نشان می‌دهد، تحقیقات در سه بعد اصلی صورت می‌گیرد. ۱- اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها در تحقیقات مختلف ابعاد متنوع افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیر مالی اندازه‌گیری و کمی‌سازی شده است. ۲- شناسایی عوامل و محرک‌هایی می‌باشد که بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات تاثیر می‌گذارد. در چارچوب تئوری مشروعیت و تئوری ذی‌نفعان متغیرهایی نظیر حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، ویژگی‌های شرکت و قدرت ذی‌نفعان ممکن است رویه‌های افشای اطلاعات را تحت تاثیر قرار دهد. ۳- بحث پیامدهای افشای اطلاعات است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افشاء و شفافیت بیش‌تر، منافع متعددی برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از جمله مهم‌ترین آن‌ها هزینه سرمایه کم‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی است. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت مالی محسوب می‌شود



که منجر به افزایش قدرت نقدشوندگی سهام شرکت و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران و برای جامعه می‌گردد [۳۰].

افشاء اطلاعات و تقارن اطلاعاتی

یکی از شیوه‌های نمایانگر چشم‌اندازهای شرکت‌ها افشای اطلاعات می‌باشد [۳۱]. افشای اطلاعات مالی به طور شفاف که از طریق صورت‌های مالی اساسی منتشر می‌شود، عامل مهمی در جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان است [۳۲]. افشای مطلوب می‌تواند به میزان زیادی مانع از رفتارهای فرصت طلبانه شود. افشای مالی سالم با ایجاد پل ارتباطی، شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران و در نتیجه مشکل نمایندگی را کاهش می‌دهد؛ در مقابل افشای مالی ضعیف اغلب باعث گمراهی سهامداران شده و ممکن است مانند رسوایی‌های مالی اخیر گزارش شده اثرات نامطلوبی بر ثروت آن‌ها بگذارد [۳۳]. عدم تقارن اطلاعات به حالتی اطلاق می‌شود که اطلاعاتی شفاف در رابطه با وضعیت بازار وجود نداشته باشد که به گزینش نامطلوب (کژگزینی) و مخاطره‌ی اخلاقی (کژ رفتاری) منجر شده و نشان می‌دهد چگونه یک درهم ریختگی می‌تواند در بازارهای مالی اتفاق افتاده و به طور ناطلوب بر فعالیت کل اقتصاد تاثیر بگذارد [۳۴]. وقتی مشکلات عدم تقارن اطلاعات بسیار تشدید می‌شود، بازارهای مالی قادر نخواهند بود منابع مالی را به شکلی موثر به سمت کسانی که بیش‌ترین فرصت سرمایه‌گذاری را دارند، هدایت کنند [۳۵]. از سویی کیفیت بالای افشا و تقارن اطلاعاتی موجب هماهنگی بیش‌تر مدیران و سرمایه‌گذاران در رابطه با



تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌شود [۳۶]. کیفیت افشای بالاتر از طریق افزایش تقارن اطلاعاتی، میزان غافل‌گیری در مورد عملکرد شرکت را کاهش می‌دهد و باعث کاهش نوسان قیمت سهام، انجام مبادلات بیش‌تر روی سهام می‌شود و بهبود عملکرد را در پی خواهد داشت [۳۷].

تقارن اطلاعاتی و جذب سرمایه‌گذاری

مدیران شرکت‌ها با هدف ایجاد تصویری بهتر از موقعیت اقتصادی شرکت‌شان و جذب سرمایه‌گذاران بیش‌تر به خصوص سرمایه‌گذاران نهادی اقدام به افشای اطلاعات می‌کنند [۳۸]. مبنای تصمیم‌گیری مشارکت کنندگان در بازارهای اوراق بهادار، اطلاعاتی است که از سوی بورس‌ها، ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس و واسطه‌های فعال در این بازارها، منتشر می‌شود. بهره‌گیری از این اطلاعات و به عبارتی، تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات یاد شده به موقع، مربوط، با اهمیت و نیز کامل و قابل فهم باشد. از سوی دیگر، نوع و چگونگی دستیابی به اطلاعات نیز حایز اهمیت است. در صورتی که انتقال اطلاعات به صورت نابرابر و نامتقارن، بین افراد صورت گیرد می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به یک موضوع واحد سبب شود [۳۹]. در میان بازارها، بازاری که نیاز به شفافیت اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری افراد و سازمان‌ها را شدیداً در خود احساس می‌کند، بازار سرمایه است. بازار سرمایه، به مثابه‌ی بخشی از بازارهای مالی، نقش مهمی را در اقتصاد بازی می‌نماید. بازار سرمایه در کنار سایر بازارهای مالی، جریان منابع مالی متناسب با



میزان فعالیت های اقتصادی را تنظیم می کند. از طریق چنین بازارهایی است که پس اندازه‌های افراد و سازمان ها در بخش های مختلف اقتصاد ملی، برای سرمایه گذاری در صنعت به شرکت ها منتقل می شود [۴۰]. با افزایش عدم تقارن اطلاعات، درک موقعیت واقعی سرمایه‌گذاران بازار، برای مدیران مشکل خواهد بود. بنابراین در موقعیتی که عدم تقارن اطلاعات بالاست، مدیران تخمینی محافظه کارانه از اطلاعات بازار ایجاد خواهند کرد [۴۱]. طی سال- های اخیر در محافل علمی بانکداری چنین استدلال شده است که نظریه‌ی نامتقارن بودن اطلاعات، چارچوبی را مورد بررسی قرار می- دهد که تحت آن، محدوده‌ی فعالیت نمایندندگان اقتصادی متأثر از ناقص بودن اطلاعات و در پاره‌ای از اوقات مغرضانه بودن آن است. در همین خصوص تاکید بر چارچوب‌های مفروض در نظریه‌ی نامتقارن بودن اطلاعات می‌تواند زیربنای تحلیل و بررسی بسیاری از مباحثی باشد که در عرصه‌ی نظریه‌ی بانکداری مورد توجه است [۴۲]. از جمله‌ی این مباحث، تحلیل و تفسیرهای متعددی است که در زمینه‌ی شفافیت و سلامت مالی بانک‌ها ارائه شده است.

شفافیت

شفاف‌سازی و علنی کردن یکی از پایه‌های اساسی دموکراسی و جمهوریت است. سازمان بین‌المللی شفافیت در تعریف شفافیت چنین می‌گوید: «شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوع‌ها، و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آن‌ها مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف



مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل رؤیت، قابل پیش‌بینی، و قابل درک باشد [۴۳]. از سویی شفافیت، مفهوم وسیعی است که در بخش‌های زیادی اعمال می‌گردد. شفافیت سازمانی، شفافیت مالی و حسابداری، شفافیت اقدامات و مسئولیت‌های دولت، و شفافیت اسنادی [۴۴]. از لحاظ نظری «شفاف‌سازی» به سه دسته تقسیم می‌شود که با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند. نوع نخست را «شفاف‌سازی اطلاعات» نام نهاده‌اند، بدین معنا که مردم باید از بازیگران و تصمیمات حکومتی آگاه شوند و به اطلاعات حکومتی دسترسی داشته باشند. نوع دوم یا «شفاف‌سازی مشارکتی» به این معناست که همه مردم باید بتوانند شخصاً یا از طریق نمایندگان خود به صورت شفاف در تصمیمات سیاسی شرکت کنند. برخی محققان اساساً مشارکت را مستلزم شفاف‌سازی اطلاعات دانسته‌اند. سومین نوع «شفاف‌سازی پاسخگویی» است؛ یعنی حکومت یا هر نهاد تصمیم‌گیرنده، ناظر و جز آن، هنگام تخلف از قانون یا هنگامی که عملکرد آن تاثیر جدی بر منافع مردم دارد در برابر نظام قضایی و نیز در برابر افکار عمومی به طور صریح و روشن پاسخگوی عملکرد خود باشد [۴۵]. برای تحقق آرمان‌های شفاف‌سازی، راه‌های عملی مختلفی اندیشیده شده است که یکی از آنها تضمین حق دسترسی به اطلاعات برای شهروندان است. در دهه‌های اخیر اکثر کشورها به طور رسمی حق دسترسی به اطلاعات را پذیرفته‌اند [۴۶]. به طور کلی تحقق کامل حق دسترسی به اطلاعات بدون وجود شفافیت بی‌معناست و برای دستیابی به این حق، گریزی جز شفافیت در لایه‌های مختلف سازمانی وجود ندارد [۴۴].



شفافیت از دیدگاه اسلام

اعتماد سازی و شفافیت یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی دسترسی به اطلاعات درست تلقی می‌شود. پابندی به هر جامعه‌ای به اصل شفافیت، در آموزه‌های اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. شورا و مشورت از مهم‌ترین اصول مورد تاکید در سیاست اسلامی محسوب شده که مبنایی برای اصل شفافیت قلمداد می‌شود. این حق که مردم در تمامی سیاست‌گذاری‌ها طرف مشورت قرار گیرند، یک تکلیف برشمرده شده تا آن‌جا که در حضرت علی علیه السلام در نامه‌ی پنجاهم نهج البلاغه، خطاب به کارگزاران حکومتی فرموده‌اند: «آگاه باشید! حق شما بر من آنست که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع بدون مشورت شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده‌ی آن بپردازم و با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم [۴۷]».

یکی دیگر از مبانی اصل شفافیت در رویکرد دینی را می‌توان در آموزه‌ها و تاکیدات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر جستجو کرد. آن‌چه امروزه در ادبیات حقوقی، سیاسی و مدیریتی شفافیت خوانده می‌شود، همان‌ا مکان هر گونه نقد، اظهار نظر و قضاوت صحیح راجع به امور عمومی جامعه و در نتیجه تحقق نظارت همگانی می‌باشد [۴۸]. از این رو در مدیریت نظام اسلامی باید بسترهایی ارزشمند برای اطلاع رسانی در حوزه‌های دولتی و خصوصی به صورت شفاف فراهم گردیده که این خود پذیرش نظارت عموم مردم را نسبت به حکومت اسلامی مورد تاکید قرار





می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مصداقی قابل قبول برای این امر باشد.

از جمله واجباتی که در ردیف نماز و حج و جهاد قرار گرفته است، امر به معروف و نهی از منکر است که در اندیشه‌ی اسلامی تک تک افراد مسئول پاک نگه داشتن جامعه هستند باید در راستای پیاده‌سازی این فریضه‌ی دینی و مقدمات آن در جامعه تلاش کنند. این فریضه در تنظیم حیات اجتماعی مسلمین نقش اساسی دارد، از این رو قرآن کریم با تاکید بر روابط متقابل فرد و جامعه، مسلمانان را مسئول پاک نگهداشتن داشتن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند می‌داند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی: و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود [۴۹]. هم‌چنین در سوره‌ی توبه می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» یعنی: و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است [۵۰]. علاوه بر آن، در سخنان معصومین، علیهم السلام، در خصوص امر به معروف و نهی از منکر نکات فراوانی بیان گردیده است. حضرت محمد صل الله علیه و آله می‌فرمایند: «کسی که امر



به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است» [۵۱]. امام علی علیه السلام نیز در این خصوص فرموده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است» [۵۲]. لازم به ذکر است که برای عمل به امر به معروف و نهی از منکر، وجود چهار شرط، علم به معروف و منکر، وجود زمینه‌ی تاثیر، ارتکاب فعل منکر و اصرار بر ادامه‌ی آن و نیز فقدان مفسده، ضروری است [۵۳]. از میان این شرط‌ها، شرط اول یعنی علم به معروف و منکر، نسبت به سایر شروط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

افشاء اطلاعات و منافع و بهبود عملکرد

بر اساس مفروضات اساسی تئوری نمایندگی، بین مالک و نماینده تضاد منافع بالقوه وجود دارد؛ بنابراین، برای مقابله با چنین تضادی، سازوکارهای کنترلی مختلفی طراحی شده است. سازوکارهای کنترلی شرکت، ابزارهایی هستند که اقدامات مدیریت شرکت را در جهت همسویی با منافع سرمایه‌گذاران سوق می‌دهند. اطلاعات افشا شده به عنوان بخشی از ساز و کارهای کنترلی به سرمایه‌گذاران در منضبط کردن مدیران شرکت‌های سرمایه‌پذیر کمک کرده، این مدیران را ترغیب می‌کند تا در راستای منافع سهامداران و بهبود عملکرد شرکت، گام بردارند [۵۴]. هم‌چنین شرکت‌های بزرگ از سیاست‌های افشای خود منافع بیشتری در مقایسه با شرکت‌های کوچک بدست می‌آورند. توضیحی که می‌توان ارائه داد مربوط است به صرفه‌ی اقتصادی، به این معنی که شرکت‌های بزرگ به خاطر افشای اطلاعات خصوصی هزینه افزایشی کم‌تری را تحمل می‌کنند. در شرکت‌های کوچک، افشای بیش‌تر



موجب می شود که آن ها نسبت بیش تری از هزینه و ریسک را تحمل کنند که باعث می شود هزینه ی کل افشا برای آن ها در مقابل شرکت های بزرگ بیش تر باشد. در شرکت های کوچک به اندازه ای که ریسک ناشی از بالا بردن سطح افشا افزایش می یابد، ممکن است بازده مورد انتظار سرمایه گذاران کاهش نیابد. به همین دلیل بالا بردن سطح افشا ممکن است باعث کاهش بیش تر هزینه سرمایه برای شرکت های بزرگ در مقایسه با شرکت های کوچک گردد [۵۵]. افشای عمومی و با کیفیت اطلاعات، هم چنین شرایط نظارت عالی بر عملکرد و در نتیجه بهبود عملکرد را فراهم می کند [۵۶]. اطلاعات حسابداری موثق و با کیفیت، نظارت سهامداران و اعمال مؤثر قوانین حافظ منافع سهامداران را تسهیل می کند [۵۴]. لذا انتظار می رود شرکت هایی که میزان افشای اطلاعات شان بیش تر است، سرمایه گذاران نهادی بیش تری را به خود جذب کنند. چرا که سرمایه گذاران نهادی با جمع آوری اطلاعات افشا شده می توانند بر عملیات انجام شده نظارت کنند [۳۸].

افشاء اطلاعات و شفافیت گزارش گری مالی

شفافیت گزارش گری مالی، حدودی است که گزارش های مالی، امور اساسی اقتصادی یک واحد تجاری را به گونه ای که به آسانی برای استفاده کنندگان از آن گزارش ها قابل فهم است، آشکار می کند. از دیدگاه حسابداری، امور اقتصادی اساسی یک واحد تجاری شامل منابع واحد تجاری، ادعاها نسبت به آن منابع، تغییر در منابع، ادعاها و جریان های نقدی، ریسک های شرکت و چگونگی مدیریت آن است [۵۷]. هم چنین شفافیت را می توان به عنوان



ترکیبی از ویژگی‌های به موقع بودن و محافظه‌کاری، تفسیر کرد [۵۸] [۵۹]. فقدان شفافیت و افشا اغلب به عنوان یکی از علت‌های عمده رسوایی‌های اخیر تلقی شده و همچنین تاثیر نامطلوبی بر اعتماد عمومی در مورد قابلیت اطمینان و گزارش‌های مالی می‌گذارد [۶۰]. صورت‌های مالی شرکت‌ها در صورتی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد که شفاف باشد. شفافیت پایین نشان می‌دهد که اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود ندارد و بنابراین یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آن‌هایی که آگاهی دارند و آن‌هایی که اطلاعات کافی در اختیارشان نیست، وجود دارد، این امر منجر به بروز صرف ریسک اطلاعات می‌شود. از دیدگاه سرمایه‌گذاران هر چه دقت و کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت (که در صورت‌های مالی) بالاتر باشد، ریسک اطلاعاتی آن شرکت، پایین‌تر خواهد بود. مزیت اطلاعاتی مرتبط با شفافیت صورت‌های مالی این است که آگاهی سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به افزایش اعتماد سهامداران می‌شود. شفافیت پایین موجب می‌شود اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود نداشته باشد و یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آن‌هایی که آگاهی دارند و آن‌هایی که دسترسی به اطلاعات کافی ندارند شکل گیرد که در نهایت منجر به افزایش صرف ریسک اطلاعات می‌شود. اطلاعات مالی که قابلیت اتکا و شفافیت پایینی دارند، عدم اطمینان سهامداران را افزایش داده و جذابیت سهام را کاهش می‌دهد [۶۱].



افشاء اطلاعات بانکی و شفافیت

نظارت بر بانکها از جنبه‌ی حمایت از مشتریان (سپرده‌گذاران و استفاده‌کنندگان خدمات بانکی) و کمک به تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی بانکها از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از راه‌های نظارت بر بانکها ملزم نمودن آنها به افشای اطلاعات جامع و مربوط در خصوص عملکرد آنهاست. یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی سلامت بانکی، میزان شفافیت در شبکه‌ی بانکی است. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که سلامت مالی^۵ بانک در گروی استقلال عملیاتی هر بانک است [۲۵]. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل سنجش یکی از ارکان اصلی پاسخ‌گویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیران اقتصادی و از ملزومات رشد اقتصادی در بخش‌های دولتی و خصوصی است؛ به‌طوری که کمیته‌ی نظارت بانکی بال، شفافیت را به‌عنوان یکی از عوامل نظارت موثر برای حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی دانسته است. سطح شفافیت و فعالیت نهادهای مالی باید به قدری افزایش یابد که به موازات آن معیارهای انتخاب برترین‌ها در این بخش نیز ارتقا یابد. اگر چه شفافیت در ذات خود و به صورت مستقیم بر عملکرد موفق یا ناموفق یک بانک تاثیر ندارد، ولی کارشناسان اقتصادی به نقش کلیدی شفافیت در تاثیر بر انضباط مالی و کارآمدی نظارت تاکید می‌کنند. از این رو، بانک‌های مرکزی کشورهای جهان در فواصل معینی در طی سال، اقدام به رتبه‌بندی بانک‌ها برحسب میزان شفافیت می‌کنند. با افزایش میزان این

^۵ FSI



شاخص، امکان نظارت اثربخش و کارآمد بانک مرکزی در مدیریت و نظارت بازار پول افزایش یافته و اعتماد سپرده گذاران به این بازار نیز بیش تر می شود. سازمان بورس و اوراق بهادار نیز به منظور افزایش شفافیت و مقایسه پذیری صورت های مالی بانک ها اقدام به تهیه صورت های مالی نمونه ی بانک ها کرده است و طی بخشنامه ای بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا ثبت شده نزد این سازمان را موظف کرده که تمام صورت های مالی خود را که پایان دوره ی آن ها ۲۹ اسفند ۱۳۸۷ یا بعد از آن است را براساس صورت های مالی نمونه تهیه کنند. بانک مرکزی نیز در مورد نحوه ی گزارش دهی اقلام مختلف صورت های مالی بانک ها بخش نامه هایی صادر کرده است. کمیته ی بین المللی نظارت بانکی معروف به کمیته ی بال^۶ نیز در زمینه شفافیت بانک ها رهنمودهایی دارد و بر

^۶ کمیته ی نظارت بانکی بال The Basel committee on Banking Supervision) متشکل از کارشناسان ارشد نظارت بانکی است که در سال ۱۹۷۵ توسط روسای کل بانک های مرکزی کشورهای گروه ۱۰، پایه گذاری شد. این کمیته از کارشناسان ارشد مراجع نظارت بر بانک ها و بانک های مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان و ایالات متحده تشکیل شده است. به طور معمول، اجلاس های این کمیته در بانک تسویه حساب های بین المللی در شهر بال سوئیس مقر دبیرخانه دایمی این کمیته برگزار می شود. اگرچه کمیته ی بال دارای قدرت قانونی نیست، ولی اکثر کشورهای جهان اسناد توصیه ای بانک تسویه بین الملل و کمیته بال را مبنای کار خود قرار می دهند. در سند مذکور، این کمیته توصیه های بهبود شفافیت بانک را در ۶ طبقه دسته بندی کرده که باید دارای ویژگی های جامعیت، مرتبط و به موقع بودن، قابلیت اعتماد، قیاس پذیری و اهمیت در هر یک از طبقات شش گانه باشند. این طبقات به شرح



انضباط بازار تاکید ویژه‌ای دارد. الزامات کمیته‌ی بازل بر سه اصل است: مقررات حداقل سرمایه و نقدینگی، فرآیند بازرسی نظارت، بالا بردن سطح افشا [۶۲].

لزوم شفافیت بانکی، ضوابط استانداردهای شفافیت و انتشار اطلاعات بانک‌ها

فقدان توانایی تحلیل وضعیت بانک‌ها از سوی عموم مردم و نبود امکان ارزیابی سلامت و ثبات آن‌ها از یک طرف، و عرضه‌یک کالای عمومی از سوی یک بنگاه خصوصی از طرف دیگر، از جمله دلایل با اهمیتی است که به طور سنتی استدلال پشتوانه‌ی مداخله ارکان حکومتی در فعالیتهای بانک‌ها و اعمال نظارت احتیاطی بر عملیات آن‌ها را فراهم آورده است [۴۲]. اصول ۲۹ گانه برای نظارت بانکی موثر و روش‌های اجرای آن را باید از اسناد مهم کمیته^۷ یاد شده به حساب آورد که گستره‌ی وسیعی از مباحث نظارتی در حوزه‌ی بانکداری، شامل ویژگی‌های یک مرجع نظارتی، ضوابط ناظر بر صدور مجوز برای فعالیت بانک‌ها، چگونگی احراز صلاحیت موسسان و مدیران بانک نحوه اداره بانک، نظام کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک‌ها را در برمی‌گیرد. شورای

زیر هستند: ۱. عملکرد مالی بانک ۲. وضعیت مالی بانک ۳. شیوه‌ها و استراتژی‌های مدیریت ریسک بانک ۴. مقدار منابع در معرض ریسک ۵. رویه‌های حسابداری موجود ۶. اطلاعات کاری، مدیریت و حاکمیت شرکتی ۷. کمیته نظارت بر بانکداری بازل (کمیته تخصصی نظارت بر بانکداری بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی)



پول و اعتبار با هدف افزایش شفافیت وضعیت عملکردی مؤسسات اعتباری و یکسان نمودن رویه‌ی انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری و در اجرای تکلیف مقرر در جزء (۱) بند (د) ماده‌ی ۹۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری را تصویب نمود. این دستورالعمل با هدف ارتقای شفافیت، تحقق نظم بازار به عنوان یکی از ارکان و الزامات توافقنامه سرمایه‌ای بال ۲ و ۳ و همچنین فراهم کردن امکان نظارت عموم بر بانکها و مؤسسات اعتباری، «ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری» تصویب شده است. در این بخش‌نامه ۴ بخش انتشار اطلاعات مربوط به صورتهای مالی، انتشار اطلاعات مربوط به مدیریت ریسک، انتشار اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی و ضوابط انتشار اطلاعات مربوط به رویدادهای با اهمیت، مقاطع زمانی انتشار اطلاعات، نحوه انتشار عمومی اطلاعات، ضمانت اجرا و سایر به تفصیل شرح داده شده است. این بخش‌نامه برای کلیه‌ی بانکهای غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسات اعتباری غیربانکی در سال ۲۴ تیر ۱۳۹۳ به تصویب رسیده و در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۵ لازم الاجرا شده است. در ادامه‌ی شفافیت اطلاعات هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی، در بیانیه‌ای در ارتباط با بانکهای دولتی، مقرر شد اجرای کامل ضوابط مذکور در چارچوب برنامه زمان‌بندی اعلامی از سوی بانک مرکزی انجام پذیرد. بر همین اساس، برنامه‌ی زمان‌بندی پیشنهادی بانک مرکزی به شرح زیر در



یک‌هزار و دویست و سی و دومین جلسه مورخ ۹ خرداد ۱۳۹۶ شورای پول و اعتبار مورد تأیید و تصویب قرار گرفت که بنا به زمان بندی قرار اعمال بخش نامه از ابتدای فروردین ۱۳۹۷ تا پایان اسفند ۱۳۹۷ لازم الاجرا شد. مرکز پژوهش های مجلس ضمن بررسی این بخشنامه‌ی با بررسی ۱۱ شاخص برای ۲۴ مؤسسه مالی و بانک‌های مورد نظر در بخشنامه‌ی شفافیت بانک مرکزی با انتشار گزارشی در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۴ به این نکته دست یافت که بانک سینا و مؤسسه‌ی اعتباری توسعه به ترتیب دارای بیش‌ترین و کم‌ترین شفافیت بوده‌اند. هم‌چنین اکثر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری روند سنتی ارائه‌ی اطلاعات را داشته و حتی نیمی از شفافیت استاندارد را کسب نکرده و به طور کلی سیستم بانکی کشور شفاف نیست. این عدم شفافیت باعث بروز بسیاری از مشکلات و معضلات سیستم بانکی شده است [۶۳]. مقوله‌ی شفافیت اطلاعات در بانک‌ها و سایر مؤسسات سپرده‌پذیر مورد توجه و تأکید فراوان مقامات ناظر (بانکی) قرار گرفته است، چنان‌که یکی از ارکان توافق‌نامه بال II با عنوان (نظم بازار)، معطوف به این موضوع است. به عبارت دیگر، شفافیت یکی از الزامات تحقق حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود. تأکیدات مذکور از این حیث صورت گرفته که نسبت آورده‌ی سهام‌داران به وجوه تودיעی سپرده‌گذاران نزد بانک‌ها، مقایسه‌شدنی نیست. در چنین وضعیتی سپرده‌گذاران حق دارند که با شناخت کافی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، نسبت به تودیع وجوه خود نزد آنها اقدام کنند.



دستور العمل بورس اوراق بهادار، بانک مرکزی و افشاء اطلاعات بانک‌ها

در اجرای بندهای ۱۱ و ۱۸ ماده‌ی ۷ و ماده‌ی ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب آذرماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی، این دستورالعمل در ۳ فصل، ۲۱ ماده و ۹ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ به تصویب هیئت مدیره‌ی سازمان بورس و اوراق بهادار رسید. فصل اول شامل تعاریف و اصطلاحات است که افشاء را این‌گونه تعریف می‌کند: ارسال اطلاعات به سازمان و انتشار عمومی و به موقع اطلاعات مطابق ضوابط این دستورالعمل و با بیان تعریفی برای اطلاعات مهم ادامه می‌دهد: اطلاعاتی درباره‌ی رویدادها و تصمیمات مربوط به ناشر که بر قیمت اوراق بهادار ناشر و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر با اهمیت داشته باشد. فصل دوم شامل ۵ ماده کلیات است و ناشر را موظف می‌کند اطلاعات موضوع این دستورالعمل را در مهلت مقرر، مطابق فرم‌های مورد نظر سازمان، به صورت الکترونیکی و یا کاغذی در سربرگ رسمی خود که به تأیید دارندگان امضای مجاز رسیده باشد، به سازمان ارسال و همزمان به طرقی که سازمان تعیین می‌کند جهت اطلاع عموم منتشر نماید. در ماده‌ی ۴ تأکید می‌شود که این دستورالعمل حداقل الزامات در زمینه‌ی افشاء اطلاعات می‌باشد. تعیین و تشخیص سایر اطلاعاتی که مهم است و باید افشای فوری شود، بر عهده‌ی ناشر است و در ماده‌ی ۵ به این موضوع اشاره می‌شود که اطلاعات دارای تأثیر منفی باید به همان سرعت و دقتی که اطلاعات دارای تأثیر مثبت منتشر می‌شود، افشا شود. در فصل سوم، موارد افشاء شامل، شرایط افشاء گزارش‌ها و صورت‌های مالی سالانه و میان‌دوره‌ای، مجامع



عمومی، اطلاعات مهم است که به تفضیل بیان شده است. اگر چه که در دستورالعمل تفضیلی موارد افشاء ذکر شده است، اما از ماده- ۴ این دستورالعمل می توان به عنوان خلاء این مجموعه یاد کرد. هم چنین در اواخر سال ۱۳۹۴ بانک مرکزی ضمن استناد به اختیارات قانونی خود، صورت های مالی نمونه بانک ها را ابلاغ کرد. در این دستورالعمل صورت های مالی را از برخی جوانب هم چون یادداشت های صورت های مالی و اصلاح قالب گزارش دهی مورد بازنگری قرار داده است. این موضوع واکنش هایی را برانگیخته است. این واکنش ها شامل نظراتی هم چون نبود امکان انجام این موضوع توسط بانک مرکزی به لحاظ تصویب قوانین موخر که اختیار مورد استناد بانک مرکزی را لغو یا نسخ کرده، مغایرت این صورت های مالی با استانداردهای حسابداری و نظرخواهی نکردن یا هماهنگی نکردن با سایر مراجع ذی ربط بوده و سرانجام ادامه اظهارنظرها حول موضوع چگونگی اظهارنظر حسابرسان مستقل نسبت به صورت های مالی تهیه شده براساس نمونه ابلاغی مذکور، تمرکز یافته است.

مغایرت های صورت های مالی نمونه ی ابلاغی بانک مرکزی با آخرین صورت های مالی نمونه بانک ها (مورد پذیرش سازمان های حسابداری و بورس و اوراق بهادار)

۱) منفک کردن حقوق صاحبان سپرده های سرمایه گذاری از بدهی ها و حقوق صاحبان سهام بانک، در سمت چپ ترازنامه.



۲) ارائه دو صورت مالی با عناوین (صورت تغییرات در حقوق صاحبان سهام) و (صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری).

۳) اضافه‌شدن یادداشت‌های توضیحی مربوط به: واحد پولی عملیاتی و گزارشگری- برآوردها، تخمین‌ها و قضاوت‌های حسابداری- مبانی اندازه‌گیری- تشریح ریسک‌های بانک- هزینه به‌کارنگرفتن منابع سپرده‌گذاران- معاملات با اشخاص مرتبط (شامل حقوق و مزایای مدیران و تسهیلات دریافتی آنها)- تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط- تسهیلات و تعهدات کلان- مطالبات سوخت‌شده- صورت عملکرد عملیات قرض‌الحسنه

بانک محوری و تقارن اطلاعات

بانک‌ها و بازار سرمایه که دو رکن اصلی ساختار مالی می‌باشند و نقش بسزایی را در تأمین سرمایه‌های اقتصادی و بهره‌وری دارند. بانک‌ها یا مؤسسات سپرده‌پذیر از طریق جذب پس‌انداز مردم در قالب انواع سپرده‌ها، منابع را جمع‌آوری و جذب می‌کنند و از طریق اعطای تسهیلات برای مخارج فعالان اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری و مصرف منابع خود را تخصیص می‌دهند، به طوری- که در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، به دلیل وجود محدودیت سرمایه و مشکلات نقدینگی بنگاه‌ها، بانک‌ها در تأمین نیازهای مالی در کوتاه‌مدت، بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند نقش برجسته‌ای ایفا نمایند[۶۴]. در اکثر نظام های اقتصادی، بانک‌ها



مرکز سیستم مالی و پرداخت ها بوده و نقش مهمی در فرایند تجهیز پس انداز، شناسایی فرصت های سرمایه گذاری و متنوع سازی ریسک ایفا می کنند. از این رو اندازه، ساختار و کارآیی بخش بانکی به عنوان یک بعد مستقل توسعه مالی مورد توجه است. سود دهی بانک ها، اعتبارات پرداختی و دسترسی آسان بخش خصوصی به اعتبارات بانکی مورد بررسی قرار می گیرد. بر پایه ی مطالعات انجام شده، فعالیت بانک ها در فضای رقابتی شامل مداخله کمتر دولت، تمرکز کمتر بازار و امکان بیشتر ورود بانک های خارجی، کارآیی و رشد بیش تری خواهد داشت [۶]. هرچه تأمین مالی صورت گرفته در یک سیستم بیشتر از مجرای بانک صورت گیرد، این سیستم بانک محورتر خواهد بود و بالعکس. نظریه ی مبتنی بر بانک بر نقش مثبت بانک ها در رشد و توسعه ی اقتصادی و همچنین کاستی های نظام مالی پایه ی سرمایه تأکید دارد [۶۵]. دیدگاه طرفدار سیستم مبتنی بر بانک محور نقش مثبت بانک را ۳ مورد میدانند: ۱- کسب اطلاعات در خصوص بنگاه ها و مدیران و بهبود تخصیص سرمایه حاکمیت شرکتی [۶۶] ۲- مدیریت ریسک های بین بخشی، موقتی و نقدینگی و بالا بردن کارآیی سرمایه گذاری و رشد اقتصادی [۶۷] ۳- تحرک سرمایه و بهره برداری از صرفه های ناشی از مقیاس [۶۸]. از دیدگاه نظریه ی مبتنی بر پایه بانک، گسترش سیستم مالی بر اساس بازار می تواند سرمایه گذاری و رشد را کاهش دهد. آنها بر این عقیده اند که افراد داخل شرکت ها اطلاعات بهتری از افراد خارج از آن دارند که این نامتقارن بودن اطلاعات از کارآیی بازار می کاهد [۶۹]. در سال های اخیر تلاش قابل توجهی در زمینه مطالعه عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای مالی صورت گرفته است.



یکی از دلایل اهمیت عدم تقارن اطلاعاتی در تئوری حسابداری این است که بازارهای اوراق بهادار موضوع اصلی مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی مانند اطلاعات درون سازمانی و معاملات درون سازمانی هستند. حتی اگر قیمت‌های بازار تمام اطلاعات در دسترس عموم را بازتاب کند، باز هم این احتمال وجود دارد که افراد درون سازمان بیش‌تر از برون سازمانی‌ها درباره وضعیت درست اطلاعات داشته باشند [۷۰].

بحران‌های بانکی

بحران مالی یک شکست در بازارهای مالی است که مشکلات انتخاب معکوس و خطر اخلاقی را بدتر می‌کند، بنابراین بازارهای مالی قادر نخواهند بود سپرده‌ها را به طور کارا به کسانی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهره‌ورتری دارند اختصاص دهند [۷۱]. افزایش مشکلات بانکی در مقیاس وسیع، نگرانی‌های زیادی را ایجاد می‌کند، زیرا بحران بانکی جریان اعتباری به سمت خانوارها و شرکت‌ها را دچار گسست کرده و امکان ورشکستگی بنگاه‌های بخش حقیقی را افزایش می‌دهد. هم‌چنین بحران بانکی می‌تواند عملکرد سیستم پرداخت‌ها را به مخاطره اندازد و از طریق کاهش اعتماد به نهادهای مالی داخلی، باعث کاهش پس‌انداز داخلی و یا خروج سرمایه در مقیاس زیاد شود. نهایت یک بحران بانکی منجر به کاهش ثبات بانک‌ها و بسته شدن آن‌ها می‌شود [۷]. یکی از مفاهیمی که می‌توان در بحث بانکداری اسلامی مطالعه کرد، بحث ثبات مالی است. مفهوم ثبات مالی یکی از شاخص‌های مهم در مؤسسات مالی



و اعتباری نظیر بانک‌ها بوده و همواره مورد توجه قرار گرفته است [۵].

ثبات مالی

در دهه‌های اخیر ثبات مالی به عنوان هدف سیستم اقتصادی، بیش از پیش در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بانک‌های مرکزی و مؤسسات مالی بسیاری، از جمله صندوق بین‌المللی، بانک جهانی و بانک تسویه بین‌الملل بخش بزرگی از فعالیت‌های تحقیقاتی خود را به مطالعه در این زمینه اختصاص داده‌اند [۵]. طی سال‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان، برای ارزیابی ثبات و سلامت بانک‌ها تعدادی معیارهای کمی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را در هفت گروه که شامل کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها و ساختار مالی بانک، ثبات و پایداری مدیریت، سودآوری، نقدینگی، حساسیت عملیات نسبت به مخاطره بازار و سایر معیارهای اساسی است، دسته‌بندی کرد [۵].

ادبیات ثبات مالی

ثبات مالی به شرایطی اطلاق می‌شود که سیستم با شرایط بحرانی مواجه نشده باشد. ثبات در یک سیستم مالی زمانی برقرار خواهد بود که تخصیص منابع اقتصادی (پس انداز و سرمایه‌گذاری، وام‌دهی و وام‌گیری و رشد اقتصادی) به صورت کارا و به سهولت انجام گیرد، ریسک مالی شناسایی، ارزیابی و مدیریت شده و در نهایت به صورت کمی ارائه شود و سیستم توانایی جذب آشفتگی و سازماندهی مجدد خود را حتی در زمان شوک‌های خارجی داشته



باشد [۷]. همچنین ثبات یک حالت ایستاست که سیستم مالی به طور کارا وظایف کلیدی‌اش را از جمله تخصیص منابع، توزیع ریسک و تسویه پرداخت‌ها انجام می‌دهد و حتی در زمان شوک‌ها، دوره‌های تنش و تغییرات ساختاری عمیق، قادر به انجام وظایفش است [۷۲]. به بیانی دیگر ثبات، عملکرد مناسب و استحکام تمامی اجزای تشکیل دهنده یک سیستم است. تحلیل درست ثبات مستلزم این است که منابع ریسک و عوامل ضربه پذیری سیستم مالی در تمامی بخش‌های مختلف سیستم مالی و اقتصاد واقعی (خانوار، بنگاه‌ها و دولت)، مورد بررسی قرار گیرد. می‌توان سه ستون اصلی برای ثبات بیان کرد:

بررسی‌های احتیاطی کلان اقتصادی: در این روش برای تحلیل ثبات از شاخص‌های کلان سیستم استفاده میشود و روند آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت بی‌ثباتی مالی و راه‌های انتقال آن از طریق بررسی این شاخص‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نظارت و مقررات سیستم مالی: کنترل و نظارت بر سیستم مالی در سطح کلان و خرد در تک تک مؤسسات خدمات مالی جهت اطمینان از اداره و مدیریت صحیح ریسک.

اخلاق مالی و مشروعیت: وجود شفافیت در سیستم مالی به همراه اطلاعات همگن برای تمامی شرکت‌کنندگان، در ثبات این سیستم نقش مهمی را ایفا میکند. عدم شفافیت و وجود اطلاعات نامتقارن در بازار باعث می‌شود که رابطه میان بنگاه‌های اقتصادی در شرایط نامطمئن و مبهم شکل گرفته و در نتیجه بازار مالی دچار عدم ثبات خواهد شد [۷]. عوامل متعددی بر ثبات مالی تاثیر گذارند که از مهم‌ترین آن می‌توان به متغیرهای اقتصاد کلان (تورم، تولید



ناخالص داخلی، نرخ ارز) و شرایط ویژه‌ی بانک‌ها (میزان سودآوری بانک‌ها، نسبت وام به دارایی آن‌ها و نسبت هزینه به درآمد بانک‌ها) اشاره کرد. ثبات مالی بر عملکرد مؤسسات مالی و بانک‌ها تاثیر مثبتی دارد و کارایی فعالیت‌های آن‌ها را ارتقا می‌دهد [۵].

ثبات بانکداری اسلامی در بحران‌های مالی

عملکرد بهتر بانک‌های اسلامی در مواجهه با بحران اخیر جهانی، توجه بسیاری را به سمت چگونگی ساز و کار این بانک‌ها جلب نمود. تقاضا برای خدمات ارائه شده از جانب بانک‌های اسلامی روندی مثبت را طی کرده و در نتیجه این بانک‌ها در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند؛ بانک‌های اسلامی بر اساس ماهیت ارتباطات تجاری و تمرکز بر بخش واقعی اقتصاد و همچنین انعطاف‌پذیری در مقابل نرخ سود که طرفین را در مراودات بانکی و سود و زیان آن دخیل دانسته‌اند و سود دو طرف از قبل تعیین نشده است، توانستند در مقابل نوسانات اخیر مالی انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند. بانک‌های اسلامی از لحاظ متوسط بازدهی دارایی‌ها عملکرد بهتری دارند و رشد دارایی‌های آن‌ها بیشتر و سریع‌تر بوده است و همچنین نسبت سرمایه بالاتر و اتکا به وام کمتری داشته‌اند، اما بانک‌های اسلامی کارامدی هزینه‌ای کم‌تری دارند که می‌توان دلیل این امر را در عدم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در این بانک‌ها دانست [۷۳].

دلایل ثبات بانکداری اسلامی در بحران‌های مالی اخیر را می‌توان این‌گونه ذکر کرد:



- خلق پول در نظام بانکداری اسلامی بیش‌تر بر مبنای پدیدآوردن سهم و کم‌تر بر مبنای پدید آوردن بدهی صورت می‌پذیرد. به این دلیل بانکداری اسلامی از ثبات بیشتر و ریسک کم‌تری در مقایسه با بانکداری سرمایه‌داری برخوردار است.

- بانکداری اسلامی فاقد ریسک ناشی از نرخ بهره است. نبود این ریسک منجر به نوسانات اقتصادی کمتر و ثبات اقتصادی بیشتر است. استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی و مبادله‌ای) به جای استفاده از بهره، کارایی بیش‌تری دارد. زیرا در بانکداری اسلامی از رتبه‌بندی سوددهی به جای رتبه‌بندی اعتباری استفاده میشود. این رتبه‌بندی منجر به تخصیص بهینه‌ی منابع می‌شود و کارایی بیش‌تری نسبت به نظام رتبه‌بندی اعتباری دارد.

- در نظام بانکداری سرمایه‌داری ویژگی‌هایی چون سفته‌بازی، عدم هم‌زمانی تعهدهای بانک با دریافتی‌ها و بی‌ثباتی‌های مالی ناشی از پدید آمدن بازارهای بدهی به وجود می‌آید. در حالی‌که نظام بانکداری اسلامی این ویژگی‌های بی‌ثبات‌کننده‌ی اقتصادی را ندارد. برابری تعهدهای پرداخت با دریافتی‌ها یکی از دلایل ثبات بانکداری اسلامی است.

- نظام بانکداری اسلامی، توانایی جذب شوک‌های واقعی اقتصاد را از راه پدید آوردن تغییر مناسب در هزینه سرمایه فراهم می‌کند. با تغییر سودآوری در نظام بانکداری اسلامی، هزینه تأمین سرمایه نیز مطابق با سود تغییر می‌کند، اما در نظام بانکداری سرمایه‌داری ممکن است نرخ بهره‌ی متناسب با تغییر سودآوری تغییر نکند و همین امر منجر به واکنش‌های شدید در تقاضای تأمین مالی و در نتیجه منجر به بحران‌های مالی شود.



- ریسک در نظام بانکداری اسلامی بین تأمین‌کننده‌ی سرمایه و متقاضی سرمایه توزیع می‌شود، اما این ریسک در نظام بانکی سرمایه‌داری تنها متوجه متقاضی سرمایه می‌شود. بنابراین بانکداری اسلامی ریسک کم‌تری در مقایسه با بانکداری سرمایه‌داری دارد.
- تأمین مالی از راه استقراض، بازار بدهی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. خرید و فروش وام با نرخهای بهره به صورت مکرر منجر به توسعه بازار بدهی می‌شود و ریسک نکول (عدم بازپرداخت وام) را افزایش می‌دهد و منجر به بحران مالی می‌شود. بحران مالی اخیر آمریکا و اروپا نمونه بارز این واقعیت است. این در حالی است که نظام بانکداری اسلامی به جهت اصل مشارکت در سود و زیان دچار گسترش بازار بدهی نمی‌شود.
- هزینه‌های معاملاتی در نظام تأمین مالی اسلامی کم‌تر از این هزینه‌ها در نظام متعارف است که علت آن نیز هم‌بستگی بیش‌تری است که بین بخش مالی و بخش واقعی در نظام بانکداری اسلامی وجود دارد.
- در نظام بانکداری سرمایه‌داری، بخش اعتباری مستقل از بخش واقعی شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که هر یک از دو بخش، راه و اهداف خاص خود را دنبال می‌کند. در نتیجه ممکن است رشد دو بازار هماهنگی لازم را نداشته باشد و یک بازار رشد بیش‌تری نسبت به بازار دیگر داشته باشد. اما در نظام بانکداری اسلامی هماهنگی بین بخش اعتباری و بخش واقعی شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که رشد بازار مالی تابعی از رشد بخش واقعی است.
- در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود مطرح می‌شود که با ربا (بهره)، به معنای دریافت هر مبلغ اضافه روی دین، مشروط بر اینکه



قبلاً شرط شده باشد، تفاوت دارد. سود با توافق طرفین تعیین و به نسبت‌های مورد توافق پرداخت می‌شود، اما ربا از طرف وام‌دهنده تعیین و به هر نرخ یا نرخ‌های ثابت از قبل تعیین شده پرداخت می‌شود.

بانک‌های اسلامی مانند بانک‌های متعارف با ریسک تعریف شده در سیستم بانکی مواجه هستند و ریسک اعتباری می‌تواند مهم‌ترین ریسکی باشد که هر دو سیستم بانکی را تهدید می‌کند. اما در برخی دیگر از موارد همچون بحران اخیر مالی، بانک‌های اسلامی بر خلاف بانک‌های سنتی، به طور مستقیم در معرض ریسک سرمایه‌گذاری در مشتقات مالی یا اوراق بهادار نهادهای مالی سنتی قرار نداشته‌اند و همین امر توانست مانند چتری در مقابل تأثیرات منفی بحران از آنها محافظت کند. با توجه به روند رو به رشد تقاضا برای بانک‌های اسلامی، لزوم شفافیت در قوانین و مقررات این بانک‌ها بیش از پیش احساس می‌شود و می‌بایست جزئیات دقیق ساز و کار این بانک‌ها معرفی شود [۵].

اقتصاد ایران و بحران‌های بانکی

اقتصاد ایران طی سه دهه‌ی اخیر با فراز و نشیب‌های بسیاری در فعالیت‌های کلان اقتصادی مواجه بوده است. از جمله‌ی آن‌ها، فعالیت‌های بانکی در کشور است. سیستم بانکی کشور طی دهه‌های اخیر با مسایلی از قبیل ملی شدن بانک‌ها، تحمیل سیاست‌های تکلیفی و تبصره‌های دولت، مدیریت دولتی و کنترل دستوری نرخ سود بانکی روبرو بوده است. اقتصاد ایران شرایط بحران بانکی را تجربه نموده هر چند که به علت دولتی بودن بانک‌ها و حمایت‌های



مالی بانک مرکزی، این شرایط عملاً به بروز بحران آشکار در اقتصاد منجر نشده است [۷]. اقتصاد کشور متأثر از شوک‌های (سیاست‌های اقتصادی و شوک‌های خارج از اقتصاد) وارد شده بر اقتصاد کشور می‌شود که این اثرات اولیه است، ولی این تنها اثرات نیست، بلکه اثرات ثانویه‌ای نیز در اقتصاد وجود دارد که ناشی از تدوین ضعیف قوانین و مقررات بخش مالی است. این اثرات ثانویه تأثیرات مخربی بر کسب و کار دارند و رکود به وجود آمده را تعمیق می‌کنند [۲۸]. از دیگر چالش‌هایی که بخش مالی اقتصاد ایران با آن روبه‌رو است، محدود و بسته بودن آن برای ورود سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. بنا به گزارش صندوق بین‌المللی پول ایران، از نظر شاخص‌های توسعه‌ی مالی در رده پایین قرار دارد [۶]. با توجه به این‌که بخش عمده‌ی سیستم بانکی در اقتصاد ایران، دولتی بوده به بحث پایداری مالی سیستم بانکی توجه چندانی نشده و شاخص یا شاخص‌هایی برای بررسی میزان پایداری بخش بانکی تعریف نشده است. بخش دولتی نیز با وجود دخالت‌های فراوانی که در سیستم بانکی داشته، توجهی به میزان پایداری سیستم بانکی نشان نداده است. سیستم بانکی در ایران، از یک سو در یک فضای بسته فعالیت می‌کند و ارتباطات چندانی با دنیای خارج ندارد و از سوی دیگر به لحاظ ماهیت نیز با سیستم بانکی رایج در دنیا تفاوت دارد [۵].

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم قلمداد می‌شود و این امر در راستای افزایش سطح تحلیل در بازار مشروط به انتشار به موقع و دقیق اطلاعات است،



بنابراین تداوم انتشار اطلاعات واقعی از مهم‌ترین اقدام‌های تاثیرگذار برای رسیدن به شفافیت اقتصادی تلقی می‌شود. از آن‌جا که نباید استثنایی بین نهادهای مالی و شرکت‌های اقتصادی برای ارایه‌ی شفاف صورت‌های مالی وجود داشته باشد، لذا کمبود شفافیت عمومی در مورد بانک‌ها می‌تواند شبهه‌های متعددی در زمینه‌ی عدم ثبات اقتصادی کشور ایجاد کند. در این راستا موضوع شفافیت مالی و کیفیت افشاء اطلاعات ارائه شده در آن، به عنوان یک راه‌کار عملی در نظر گرفته شده است. حتی با وجود دستور العمل‌های افشاء اطلاعات بانک‌ها طبق کمیته‌ی بال و بورس اوراق بهادار شواهد بسیاری از عدم موفقیت بانک‌ها این موضوع را خاطر نشان می‌کند که آن‌ها نتوانسته‌اند با توسعه‌ی ابزارهای مورد نیاز برای تأمین مالی و گسترش روش‌های پرداخت، پاسخگوی جامع نیازهای مشتریان باشند. افزایش شدید و بی سابقه‌ی وام‌های غیرعملیاتی (وام‌های معوقه)، مشکلات عدیده‌ی ترانزنامه‌ای بانک‌ها، وجود دارایی‌های با قابلیت نقدشوندگی ضعیف در ترانزنامه‌ی بانک‌ها به دلیل رکود در بازار دارایی به خصوص مسکن، همگی باعث کاهش سود وام‌دهی بانک‌ها بوده است. از آن‌جا که بانک‌ها و موسسات مالی به منظور کسب اعتماد شهروندان، نیازمند تعامل و ایجاد تغییرات وسیع رفتاری و توجه جدی به نیازهای واقعی عامه‌ی مردم هستند، حداقل انتظار رعایت حقوق افراد در یک جامعه‌ی مدنی است. سیاستگذاران نیز بایستی در اعمال سیاست‌هایشان بر شفافیت صحنه بگذارند. افشاء اطلاعات به موقع نظام بانکی در راستای تقارن اطلاعاتی می‌تواند منجر به امنیت بازار و هدایت سرمایه‌گذاران به سمت سرمایه‌گذاری در بانک‌ها شود که منجر به توسعه‌ی مالی در



بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد شد. توسعه‌ی مالی در صورتی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود که بتواند زمینه‌ی مناسب جهت تخصیص بهینه‌ی منابع را فراهم ساخته و سبب افزایش کارایی سرمایه شود. از سوی دیگر، در بازار سرمایه، انتقال وجوه بر اساس اوراق بهادار خواهد بود. فرایند بازار سرمایه به این نحو است که بازار سرمایه، پس‌اندازی را که از بخش خصوصی جذب شده در اختیار شرکت‌ها و بنگاه‌های متقاضی وجوه مالی قرار می‌دهد و در برابر آن، به عرضه‌کنندگان وجوه مالی اوراق بهاداری ارائه می‌دهد که حقوق و امتیازی را برای دارنده آن در برمی‌گیرد. بازار سرمایه نیز می‌تواند با تأمین نیازهای بلندمدت، بنگاه‌های اقتصادی را در تأمین و تجهیزات جدید یاری نموده و بدین ترتیب، موجبات افزایش بهره‌وری و کارایی را فراهم نماید و در نهایت، منجر به رشد اقتصادی شود. بر پایه‌ی این نظریه در کشورهای درحال توسعه، بانک‌ها بهتر از بازار سرمایه می‌توانند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشند. لذا ثبات مالی می‌تواند به عنوان یک هدف سیستم اقتصادی، بیش از پیش در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از مباحث یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ستون‌های ثبات مالی، اخلاق مالی و مشروعیت است که وجود شفافیت و کفایت افشاء اطلاعات را در سیستم مالی به همراه اطلاعات همگن برای تمامی استفاده‌کنندگان را مورد تأکید قرار می‌دهد. چرا که اطلاعات نامتقارن در بازار باعث می‌شود رابطه‌ی میان بنگاه‌های اقتصادی در شرایط نامطمئن و مبهم قرار گرفته و در نتیجه بازار مالی دچار عدم ثبات شود. از آن‌جا که تجزیه و تحلیل اثر افشاء اطلاعات منتشر شده توسط بانک‌ها در ثبات سیستم مالی هنوز به



اندازه کافی تحلیل نشده است. پیشنهاد می‌گردد با توجه به دو دستورالعمل افشاء اطلاعات، ارایه شده توسط بانک مرکزی و بورس اوراق بهادار به بررسی آن‌ها پرداخته تا در نهایت به جهت اعتمادسازی و ارتقای بستر قانونی برای فعالیت‌های گسترده‌تر در زمینه‌ی بانکداری بین‌المللی، یک جمع‌بندی مشترک از قوانین و مقررات در مسیر تحقق بانکداری اسلامی مهیا شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات و چک لیست-های موجود برای شفافیت اطلاعات بانکی و همچنین رتبه‌ی افشاء بورس اوراق بهادار، نقش افشاء اطلاعات را در بهبود ثبات مالی بانک‌ها ارزیابی گردد.



مراجع

- [۱] Billings, M., Capie, F. H. (۲۰۰۹). "Transparency and financial reporting in mid-Vol. ۳۳, Pp. ۳۸-۵۳
- [۲] نمازی، محمد (۱۳۸۴). " تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، ۱۴۷-۱۶۴
- [۳] حساس یگانه، یحیی، مرشید خیرالهی (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی و شفافیت". ماهنامه حسابداری، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۳، صص ۷۴-۸۰
- [۴] ستایش ، محمد حسین، کاظم‌زاده، مصطفی، سروستانی، امیر(۱۳۹۱). " بررسی تأثیر کیفیت افشاء بر عملکرد جاری و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۱-۲۰
- [۵] میر باقری هیر، میر ناصر، ناهیدی امیر خیز، محمد رضا، شکوهی فرد، سیامک (۱۳۹۵). " ارزیابی ثبات مالی و تبیین عوامل مؤثر بر ثبات مالی بانکهای کشور"، فصلنامه‌ی سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۳-۴۲
- [۶] دادگر، یدالله، نظری، روح الله (۱۳۸۸). " ارزیابی شاخص های توسعه مالی در ایران. اولین کنفرانس بین المللی توسعه‌ی نظام تأمین مالی در ایران"، تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.



[۷] جهانگرد، اسفندیار، عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۶). "تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ثبات بانکهای ایران"، نشریه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، سال نهم، شماره هجدهم، صص ۲۰۵-۲۲ [۸] توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵). "اقتصاد پولی و بانکداری"، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکداری.

[۹] موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱). "آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت بهجای نظام بهره"، فصل‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره ۵، صص ۵۹-۸۶

[۱۰] پژوهان، جمشید، دوانی، عبدالله (۱۳۸۳). "حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی"، پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۳، صص ۱۳-۵۴

[۱۱] موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). "نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد جایگزین"، فصل‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۵، صص ۹-۳۶

[۱۲] جمالیان، هادی (۱۳۸۶). "مقایسه میزان مواجهه با ریسک در بانکداری ربوی و غیر ربوی"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام

[۱۳] Brown.S , Hillegeist. S, (۲۰۰۷). "How disclosure quality affects the level of information asymmetry" Rev Acc Stud ۱۲: ۴۴۳-۴۷۷.

[۱۴] عیوضلو، حسین و حسین میسمی (۱۳۸۷)، "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، فصل‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱، دوره ۸، صص ۱۶۱-۱۹۰



[۱۵] پناهیان، حسین، صادقی جزی، پیام (۱۳۸۹). "بررسی تطبیقی استنباط از شفافیت اطلاعات مالی در تبیین رفتار سرمایه گذار در بورس اوراق بهادار تهران و بورس سهام تایوان"، فصلنامه‌ی تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره هشتم.

[۱۶] عرب مازار، علی اکبر، طالب نیا، قدرت اله، وکیلی فرد، حمیدرضا، صمدی گرگانی، محمود (۱۳۹۰). "تبیین ارتباط بین ورشکستگی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه‌ی تحقیقات حسابداری، سال سوم، شماره نهم.

[۱۷] قائمی، محمدحسین، علوی، سید مصطفی (۱۳۹۱). "رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد"، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره‌ی دوازدهم، صص ۶۷-۷۸

[۱۸] آقامحمدی رنانی، سمیه؛ برزانی، محمدواعظ؛ دلالی اصفهانی، رحیم قاسمی، محمدرضا (۱۳۹۲). "بررسی اثر ارزش محصول واسطه‌گری بانک‌های تجاری بر بی‌ثباتی اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۶"، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۸

[۱۹] Darmadi, S. (۲۰۱۳). "Corporate governance disclosure in the annual report: An exploratory study on Indonesian Islamic banks". Humanomics, ۲۹(۱), ۴-۲۳.

[۲۰] مشایخی، بیتا، فرهادی، سوران (۱۳۹۲). "تاثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت



های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره نوزدهم، صص ۱۰۱-۱۱۵

[۲۱] علمی، زهرا و آریانی، فائزه (۱۳۹۲). "اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۹، صص ۱۳۳-۱۵۱
[۲۲] قلیچ، وهاب؛ تقوی، مهدی، خدابخش، محسن (۱۳۹۳). "اثر تعهدات بدهی در شکنندگی نظام بانکی (تجربه‌ی بانک‌های اسلامی در بحران اخیر"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های پولی - بانکی، شماره ۸، صص ۱۲۱-۱۵۴

[۲۳] عیوض‌لو، حسین، قلیچ، وهاب (۱۳۹۴). "بانکداری اخلاقی، درس‌هایی برای نظام بانکی ایران"، فصلنامه‌ی علمی و ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره‌ی دهم، صص ۲۷-۵۲

[۲۴] Abdullah, W. A. W., Percy, M., & Stewart, J. (۲۰۱۴). "Corporate Governance Disclosure

Practices of Islamic banks: the Case of Islamic banks in the Southeast Asian and the Gulf Cooperation Council region". In Journal of International Accounting Research (JIAR) Conference.

[۲۵] میر باقری هیر، میر ناصر، ناهیدی امیر خیز، محمد رضا، شکوهی فرد، سیامک (۱۳۹۵). "ارزیابی ثبات مالی و تبیین عوامل مؤثر بر ثبات مالی بانکهای کشور"، فصلنامه‌ی سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۵، صص ۲۳-۴۲



[۲۶] Srairi, S. (۲۰۱۵). "Corporate Governance Disclosure Practices and Performance of Islamic Banks in GCC Countries", Journal of Islamic Finance, ۴(۲).
 [۲۷] ولی پور پاشا، محمد؛ فدایی، عباس (۱۳۹۵). "نقش بانک مرکزی و لزوم تاکید بر ثبات مالی"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۴۸، صص ۴۲-۴۳
 [۲۸] مظفری، زانا، کازرونی، علی‌رضا، رحیمی، فرید (۱۳۹۷). "تأثیر ساختار مالی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران"، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال هجدهم، شماره- ۳۱-۱، صص ۳۱-۱

[۲۹] Pacicco, Fausto, Vena, Luigi & Venegoni, Andrea (۲۰۱۷). Full disclosure and financial stability: how does The market digest the transparency shock? " LIUC Papers in Economics ۳۰۵, Cattaneo University (LIUC).
 [۳۰] رحمانی، علی، بشیری‌منش، نازنین (۱۳۹۳). "مروری بر ادبیات افشا در ایران"، پژوهش حسابداری، شماره ۱۵، صص ۳۵-۶۷

[۳۱] Hermalin, Benjamin E & Weisbach, Michael S (۲۰۱۲); "Information Disclosure and Corporate Governance the Journal of Finance, ۶۷، ۱۹۵-۲۳۳
 [۳۲] قائمی، محمدحسین، علوی، سید مصطفی (۱۳۹۱). "رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد"، فصل‌نامه‌ی علمی



پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره‌ی دوازدهم،
صص ۶۷-۷۸

- (۲۰۰۵[۳۳] Karamanou, Iren and Vafeas, Niko ("The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: An empirical analysis", Journal of Accounting Research, ۴۳(۳), ۴۵۳-۴۸۶.
- [۳۴] North, D. C. (۱۹۹۰). "Institutions, institutional change and economic performance". Cambridge (UK): Cambridge University Press.
- [۳۵] Hahm, Joon-Ho, Mishkin, Frederic, S. (۲۰۰۰), "The Korean Financial Crisis: An Asymmetric Information Perspective", Emerging Markets Review, Vol. ۱, pp ۲۱-۵۲.
- [۳۶] Amihud, Y., Mendelson, H., (۱۹۸۱), " Asset Pricing and the Bid-Ask Spread", Journal of Economics ۱۷, ۲۲۳-۲۴۹.
- (۱۹۹۶[۳۷] Lang, M. and Lundholm, R. (Corporate disclosure policy and analysis behavior. The Accounting Review, ۴(۷۱), ۴۹۲-۴۶۷).
- [۳۸] ناظمی، امین، طاهره، نصیری (۱۳۹۳). " بررسی ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و میزان مالکیت نهادی با افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۴۲، صص ۹۹-۱۲۰



- [۳۹] خدای پوراحمد، محمد قدیری، ۱۳۸۹، "بررسی رابطه ی میان ارقام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دو، شماره دو، صص ۱-۲۹
- [۴۰] ابراهیمی نژاد، مهدی، عباسی، عباس، خلیفه، مجتبی(۱۳۸۸). "بررسی روش‌های افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه‌ی ایران و انتخاب روشی بهینه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی؛ مورد: بورس اوراق بهادار تهران"، پیشرفت های حسابداری، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، صص ۱-۲۸
- [۴۱] حاجیها، زهره، مرادیان، بهاره (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعات و ارزش شرکت بر سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران"، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱۲، صص ۹۶-۱۱۶
- [۴۲] ثقفی، علی. و سیف، ولی الله (۱۳۸۴). "شناسایی و اندازه‌گیری نسبت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی بنیادی مؤثر بر سلامت و ثبات نظام بانکی در ایران". پژوهشنامه اقتصادی، شماره‌ی ۱۷، صص ۶۵-۱۱
- [۴۳] Christopher, H ; Transparency, D.(۲۰۰۶). The Key to Better Governance. oxford: oxford university Press.
- [۴۴] زندیه، حسن، سالار سروی، حسن(۱۳۹۲). "شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات"، فصل‌نامه‌ی گنجینه‌ی اسناد، سال بیست و سوم، صص ۱۱۶-۱۳۴



- [۴۵] صبحی، صالح (۱۴۱۴ق). "نهج البلاغه"، تصحیح فیض الاسلام، ج ۱، قم، دارالهجره
- [۴۶] طاهری، محسن، ارسطا، محمد جواد (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه‌ی حکمرانی خوب"، فصل‌نامه‌ی پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره‌ی سوم، صص ۱-۲۴
- [۴۷] آل عمران، سوره‌ی ۳، آیه‌ی ۱۰۴
- [۴۸] توبه، سوره‌ی ۹، آیه‌ی ۷۱
- [۴۹] طبرسی، علی بن حسن (۱۴۰۳ق). "مجمع البیان فی تفسیر القرآن"، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد دوم، چ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، ص ۸۰۷
- [۵۰] حرانی، ابو محمد الحسن بن علی الحسین بن شیعہ، (۱۳۹۴ق). "تحف العقول عن آل الرسول"، بی‌جا، قم، مکتبه‌ی بصیرتی، ص ۴۱۳
- [۵۱] عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). "جامع المقاصد فی شرح القواعد"، ج ۲، قم، موسسه‌ی آل بیت علیه السلام
- [۵۲] Alasdair, Roberts (۱۹۹۹). "Access to government information: An overview of issues", the Carter Centre, Atlanta, Also in: http://www.Transparency.org/working_papers/Roberts/Roberts f ۰۱.html
- [۵۳] سعید، پدرام، رحمانی زاده دهکردی، حمیدرضا (۱۳۸۱). "شفاف سازی و پاسخگویی در نهادهای رسمی"، مجلس و راهبرد، شماره‌ی ۳۶، صص ۸۵-۹۶



[۵۴] Bushman R.M ,Smith A. J(۲۰۰۳), Transparency, Financial Accounting Information, and Corporate Governance. FRBNY Economic Policy Review; vol. ۹ pp.۸۷-۶۵.

[۵۵] رحمانی، علی، حسینی، سمیه(۱۳۹۱). " بررسی شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها"، فصل‌نامه‌ی علمی تخصصی تازه‌های دنیای اقتصاد، شماره‌ی ۱۳۵، صص ۷۸-۸۲

[۵۶] حساس یگانه، یحیی و مرشید خیرالهی (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی و شفافیت". ماهنامه حسابدار، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۲۰۳، صص ۷۴-۸۰

[۵۷] Barth, M.E. and Schipper, K. (۲۰۰۸). "Financial Reporting Transparency". Journal of Accounting, Auditing and Finance, ۲۳: ۱۷۳-۱۹۰.

[۵۸] Ball, R.; Kothari, S.P.; and A. Robin, (۲۰۰۰), "The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earning", Journal of Accounting and Economics, Vol. ۲۹, PP. ۱-۵۱.

[۵۹] Kothari, S. P, (۲۰۰۰), "The Role of Financial Reporting in Reducing Financial Risks in theMarket", Presented at Building an Infrastructure for Financial Stability Conference (Federal Reserve Bank of Boston), PP. ۸۹-۱۰۲.

[۶۰] Alexandrina, Stefanescu Cristina (۲۰۱۳); "How do board of directors affect corporate governance disclosure?"



the case of banking system"; The Romanian Economic Journal, ۴۷, ۱۴۶-۱۲۷.

[۶۱] Yu, Fan (۲۰۰۵). "Accounting transparency and the term structure of credit spreads" Journal of Financial Economics, No ۷۵, ۵۳-۸۴.
[۶۲] Basel Committee on Banking Supervision. all related papers regarding Basel ۱, ۲ & ۳ and LCR

[۶۳] نجفی علمی، محمد مهدی (۱۳۹۴). "درآمدی بر شفافیت بانکی: مطالعه‌ی موردی بخشنامه‌ی «ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری»"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات

<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۹۵۶۶۱۹>

[۶۴] ابراهیمی، سجاد (۱۳۹۳). "اثر ساختار نظام مالی بر رشد اقتصادی"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۴، شماره‌ی ۲، صص ۲۵-۴۴

[۶۵] مظفری، زانا، کازرونی، علی‌رضا، رحیمی، فرید (۱۳۹۷). "تأثیر ساختار مالی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال هجدهم، شماره- ۱، صص ۱-۳۱

[۶۶] Diamond, Douglas, W and Dybvig, Philip, H (۱۹۸۳). "Bank runs, deposit insurance, and liquidity", The journal of political economy, pages ۴۱۹-۴۰۱.



- [۶۷] Allen, F. & D. Gale (۱۹۹۹). "Diversity of opinion and financing of new technologies". Journal of Financial Intermediation, ۸: ۱-۲۲.
- [۶۸] Bencivenga, V. R., & Smith, B. D. (۱۹۹۱). "Financial intermediation and endogenous growth". The Review Of Economic Studies, ۵۸(۲): ۱۹۵-۲۰۹.
- [۶۹] Levine, R. (۲۰۰۲). "Bank-based or market-based financial systems: Which is better?", Journal of Financial intermediation, ۱۱(۴): ۳۹۸-۴۲۸.
- [۷۰] سلیمانی، غلامرضا، علی مردانی، مریم (۱۳۹۲). "تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ارتباط ارزشی ارقام حسابداری و بازده سهامداران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، https://www.civilica.com/Paper-IAAC_11/IAAC_11_168.html
- [۷۱] Mishkin, Frederic, S., (۱۹۹۰), "Asymmetric Information and Financial Crises: A Historical Perspective", NBER Working Paper No. ۳۴۰۰, pp ۶۹-۱۰۸.
- [۷۲] Deutsche Bundesbank (۲۰۰۳). "Report on the stability of the German financial system". Monthly Report. December.
- [۷۳] Habib, Z & K. Moulay (۲۰۱۰). "Les Banques Islamiques et la Crise Financiere: Une Analyse



Empirique, Paris: Institut Superieur de Cestion de
Sousse", Colloque International Finance et
Strategies de Developpment.

ردستور.aspx۱۶۵۰۴https://www.cbi.ir/showitem/

العمل بانک مرکزی در سال ۱۳۹۶

دستور.aspx۱۱۷۷۹https://www.cbi.ir/simplelist/

العمل بانک مرکزی در سال ۱۳۹۳

صورت‌های.aspx۱۶۰۴۷https://www.cbi.ir/showitem/

مالی نمونه‌ی بازنگری شده در سال ۱۳۹۵